

منابع مستند در هنر طراحی ایرانی



مقدمه:

طراحی ایرانی گرچه تاریخچه‌ای طولانی دارد، اما تاکنون آثار طراحی به مفهوم امروزی، مربوط به دوران قبل از اسلام یا سده‌های اولیه‌ی دوره‌ی اسلامی که بر روی کاغذ طرح شده باشند، به دست نیامده است. در حالی که تعداد قابل ملاحظه‌ای «طراحی دیواری» بر روی سطوح دیوارهای سنگی یا گچی از سده‌های قبل کاوش شده است. بر اساس شواهد موجود، نخستین طراحی بشر با خراشیدن بر روی دیوار غارها و صخره‌ها آغاز می‌شود. سپس سطوح ظروف اشیای سفالی مهم‌ترین بستر برای طراحی و نقوش تزئینی به شمار می‌رود. نقش روی گچ، فلز، چوب، عاج و... از دیگر آثار قابل ردیابی طراحی کهن ایران هستند. از سده‌ی چهارم میلادی به بعد مانویان، بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری نقاشی و طراحی ایران در عصر ساسانی به عهده داشته‌اند.

به نظر می‌رسد هنر طراحی ایرانی در دوره‌ی اسلامی در امتداد سنت طراحی قدیمی‌تر (هنر مانویان) رشد و نمو کرده باشد. ولی شکل رسمی طراحی هنری در دوره‌ی اسلامی ایران، بر اساس آثار طراحی خطی بر جای مانده روی دیوارها، نسخ خطی علمی، تزئینات خطی ظروف سفالی، فلزی، پارچه و... در دوره‌ی آل بویه و سامانیان از اواخر سده‌ی چهارم هـ شکل می‌گیرد. پایه و اصول به کار گرفته شده در طراحی‌های دوره‌های ذکر شده در آثار دوران بعدی به ویژه در طراحی‌های دوره‌ی آل جلایر (قرن هشتم) با تغییراتی اندک شکل می‌گیرد. طراحی‌های قرن هشتم نه تنها در موضوع، که در کارکردها همانند گام‌هایی تدارکاتی، مقدماتی و ابداعی، زمینه‌ی رشد و تطور را برای آثار طراحی سده‌های بعدی (تیموری و صفوی) آماده می‌کنند.

هنرمندان ایرانی در قرن هشتم، در زمینه‌ی طراحی به حرکت پر آهنگ خطوط و هماهنگی موجود در آنها توجه کافی داشته‌اند. تعدادی نسخ خطی از این دوره در دست است که صحنه‌های آنها به صورت طراحی کار شده

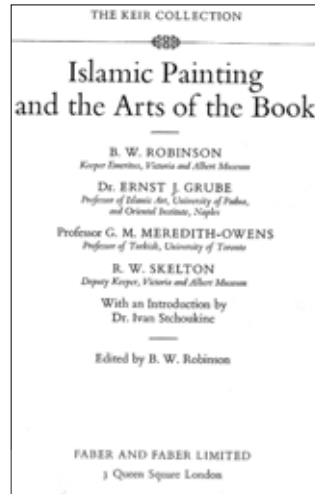
چکیده:

هنر طراحی شکلی از هنرهای تجسمی است که بر مبنای خطوط و حالات مختلف آنها به وجود می‌آید. خط در هنر طراحی، نقشی مشابه با رنگ در نقاشی ایفا می‌کند. این جایگزینی، شخصیتی قائم به ذات به طراحی می‌دهد. هنر طراحی ایرانی هم به مفهوم هنری آن، شامل آن دسته از طراحی‌هایی می‌شود که به عنوان یک اثر کاملاً هنری، ابداعی و با محتوی به صورت تک ورقه یا در نسخ خطی کار شده است. در طراحی ایرانی، خط اساساً نقش اصلی را برعهده دارد. هرچند استفاده از اندکی رنگ در طراحی می‌تواند آن را نمایان‌تر کند، ولی اگر کارکرد رنگ بر خط رجحان پیدا کند، دیگر نمی‌توان آن را طراحی قلمداد نمود. هنرمندان در طراحی یک موضوع، برای خط، به عنوان عنصر اصلی، ارزشی خاص قائل‌اند. عنصر خط، در مبانی هنر ایران یکی از مهم‌ترین عناصر بصری هنر ایرانی به شمار می‌رود. با وجود تحولات مختلف در طول تاریخ، عنصر خط همواره در قالب یک روح مشترک، آثار هنری ایران از سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید تا قلم‌گیری‌های دوره‌ی صفویه را به هم پیوند می‌دهد. هنرمندان همواره در آثار خویش با استفاده از عنصر خط، سادگی را بر طبیعت‌گرایی رجحان داده‌اند. هنرمند در پی آن است که دریا بد کد امین خط بیشترین امکان انتقال مفهوم را دارا می‌باشد و چگونه می‌تواند زیبایی‌های پنهان و درونی آن را با ساده‌ترین و مناسب‌ترین خطوط طرح کند. هنرمندان ایرانی همواره در آثار خویش سادگی و تجرید را بر طبیعت‌گرایی ترجیح داده‌اند.

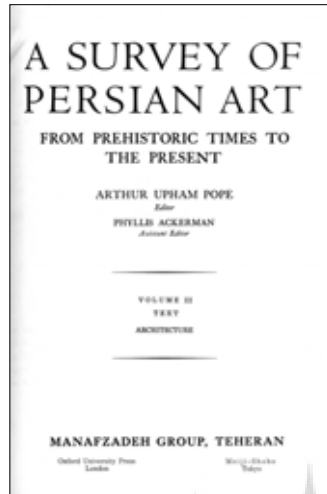
هنر طراحی انواع و عملکردهای گوناگونی دارد. در این مقاله سعی می‌شود بیشتر به هنر طراحی به عنوان یک پدیده‌ی مجزا و یک کار هنری با محتوی و هدفدار، که آن را از دیگر هنرهای بصری جدا می‌کند، پرداخته شود. گرچه به طور عام هنر طراحی ایرانی زیر مجموعه‌ی هنر نقاشی ایرانی نگارگری^۱ محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: هنر طراحی، مرقعات، نگارگری

تصویر ۱-
کتاب نقاشی اسلامی،
رابینسون



تصویر ۲-
کتاب هنر ایرانی،
آرتور پوپ



است. علاوه بر آن تعداد قابل ملاحظه‌ای طراحی تک ورقی هم موجود است که توسط هنرمندانی همچون استاد جنید، عبدالحی، محمود خیام، محمد خیام و... کار شده است.

هنرمندان دوره‌ی تیموری، ترکمانان و صفوی به این شیوه‌ی طراحی - قلم گیری یا سیاه قلم - رغبت بسیار نشان دادند. کمال‌الدین بهزاد، سلطان محمد و شاگردانشان به طراحی به عنوان یک اثر کاملاً هنری، ابداعی و با محتوی، توجه بیشتری کردند. هنرمندان مکتب قزوین و اصفهان کارهایشان بیشتر به طراحی‌های تک ورقی اختصاص پیدا می‌کند. محمدی مصور بیش از هر هنرمند دیگری در مکتب قزوین به این شیوه از طراحی پرداخت. در سده‌ی یازدهم هنر طراحی به وسیله‌ی رضا عباسی - مهم‌ترین نگارگر مکتب اصفهان - به کمال خود رسیده و تا اواخر قرن توسط شاگردان با وفایش مثل معین مصور، محمد شفیع، محمدیوسف، محمد قاسم و محمد علی اشاعه می‌یابد.

ترویج و تشویق نقاشی اروپایی به وسیله‌ی شاه عباس دوم، مرگ شاگردان باوفای رضا عباسی، هجوم فرهنگ بیگانگان، سوء حکومت و... موجبات اضمحلال طراحی و نگارگری پر شکوه صفویه را فراهم می‌سازد. هنر طراحی در آثار هنرمندان دوره‌ی قاجار در مقایسه با هنر دوران افشار و زند، تحرک بیشتری پیدا می‌کند. هنرمندان این دوره در خلق آثار طراحی به صورت تک ورقی، مصورسازی کتاب (به ویژه با شیوه‌ی جدید چاپ سنگی)، جلدسازی، و... از خود خلاقیت چشمگیری نشان می‌دهند. اگرچه در آثار این دوره وحدتی که در طراحی‌های مکاتب تبریز و اصفهان به طور عام دیده می‌شود، وجود ندارد ولی در کل شروعی برای یک مکتب ایرانی متحول نشده است که خود جای بحث دارد.

در صد سال اخیر، هنر نقاشی و به تبع آن هنر طراحی، در دو شکل و شیوه‌ی متفاوت ظاهر می‌شود. نخست تأسیس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به رهبری کمال‌الملک در سال ۱۲۸۸ هـ شمس‌ی به عنوان یک جنبش به

تصویر ۳-
کتاب لاتین در مورد
مرقعات ایرانی
از قرن ۸ تا ۱۰ هجری



شیوه‌ی نقاشی کلاسیک فرنگی که در نهایت به دانشکده‌ی هنرهای زیبا ختم می‌شود. حرکت دوم با تأسیس مدرسه‌ی صنایع قدیمه در سال ۱۳۰۹ هـ شمس‌ی و به همت استاد حسین طاهرزاده بهزاد آغاز می‌شود. این مدرسه که به قصد احیا و بازسازی هنرهای ایرانی صورت می‌گیرد به کانونی معتبر برای آموزش و آفرینش هنرهای ایرانی شامل نگارگری، طراحی، تذهیب و... تبدیل می‌شود. در این مدرسه شاگردانی که هر کدام دستی قوی در طراحی اصیل ایرانی داشتند، پروراندند می‌شوند.

در این مقاله علاوه بر منابع مستند فارسی که به آنها پرداخته می‌شود، پژوهش و بررسی‌های مکتوب مستشرقان در باب طراحی ایرانی، یکی از منابع قابل توجه برای بررسی این هنر به شمار می‌رود. بیشتر این منابع در طی سده‌ی اخیر به صورت کتاب یا مقاله منتشر شده‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً بررسی آن دسته از آثار طراحی را دربر می‌گیرند که در موزه‌های استانبول، برلین، متروپلیتن، بریتانیا، گالری هنر فریبور و واشنگتن و...؛ یا در مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند.

منابع مستند لاتین در باب طراحی ایرانی

در این قسمت ابتدا به معرفی و بررسی پژوهش‌های لاتین که از نظر منابع تصویری بسیار غنی هستند، پرداخته می‌شود. در ادامه هم به منابع مستند و نوشتاری فارسی مثل دیباچه‌ی مرقعات، کتاب‌های تاریخی، دیوان اشعار، منابع جغرافیایی، سفرنامه‌ها، گزارش کار کتابخانه‌ها (عرضه داشت)، نوشته‌های متن آثار طراحی و طراحی‌های دیواری و... که از منابع مهم مطالعاتی هنر طراحی ایرانی در دوره‌های مختلف به شمار می‌روند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاید یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مجموعه‌های طراحی ایرانی که به فرنگ برده شد، مرقعات (آلبوم) معروف به دیتس (Diez) است. این مجموعه توسط هانریش فریدریش فون دیتس (F. Von Diez) (Heinrich) به عنوان سفیر پروس^۲ در استانبول، در اواخر قرن هجده میلادی به اروپا منتقل شد و هم اکنون در کتابخانه‌ی ملی برلین با نام او نگهداری می‌شود.

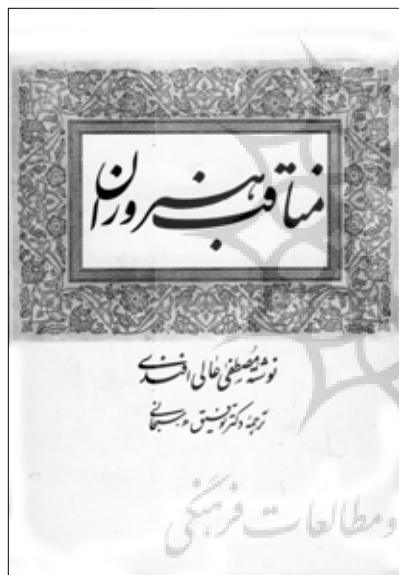
در قرن نوزدهم میلادی به طور جدی، مطالعه در زمینه‌ی هنر و معماری اسلامی، مورد توجه عده‌ای از محققان غربی قرار می‌گیرد. افرادی پس از فراگیری زبان کشورهای مسلمان، در اواخر قرن نوزدهم و اولین سال‌های قرن بیستم میلادی، تحت عنوان جهانگرد و عده‌ای هم به عنوان مأموران سیاسی، در کشورهای اسلامی به گردآوری آثار هنری از جمله طراحی می‌پردازند. ژولیس ریچارد (Jules Richard) (۱۸۱۶ - ۱۸۹۱) فرانسوی (مترجم ناصرالدین شاه در سفر فرنگ) از جمله افرادی است که به قصد گردآوری آثار هنری ایران در سال ۱۸۴۴ میلادی به تهران می‌آید. ریچارد طی اقامتش در ایران به گردآوری آثار هنری می‌پردازد.^۳ او در هنگام ترک تهران مجموعه‌ی نفیسی از آثار هنری را با خود به پاریس می‌برد و در سال ۱۸۹۴ میلادی مجموعه‌ای از آثار هنری ایران از جمله تعداد قابل توجهی از نسخ خطی را در هتل درت (Drouot) در معرض فروش قرار می‌دهد که تاثیر بسزایی بر روند هنری نقاشان پاریس بر جای می‌گذارد.^۴

مارتین (F.R. Martin) از دیگر مستشرقانی است که به عنوان یک دیپلمات متوسط سوئدی، به جمع‌آوری آثار مهم طراحی و نقاشی ایرانی در اوایل سده‌ی بیستم پرداخته است. او به صورت غیرقانونی در استانبول نقاشی‌های منحصر بفرد و کمیاب را جمع‌آوری و با ایجاد نمایشگاه‌هایی در اروپا، به مجموعه‌داران یا موزه‌ها به فروش می‌رساند. به طور مثال دیوان سلطان احمد جلایر - یکی از شاهکارهای طراحی دوره‌ی آل جلایر- در سال ۱۹۱۲ میلادی در استانبول توسط مارتین خریداری و از کشور خارج می‌گردد. این دیوان در رمضان سال ۸۰۵ هـ توسط میرعلی تبریزی کتابت شده و حواشی هشت صفحه از آن دربر گیرنده‌ی طراحی‌های بسیار لطیف و زیبایی می‌باشد. مارتین از مجموعه آثار خود در سال ۱۹۱۲ میلادی کتابی تحت عنوان: «نقاشی و نقاشان ایرانی، عثمانی و گورکانیان» به چاپ رساند.^۵ مجموعه طراحی‌های چاپ شده در این کتاب خود یکی از مهم‌ترین منابع در حوزه‌ی طراحی‌های ایرانی، عثمانی و گورکانی هند به شمار می‌رود.

فریدریش ساره (F. Sarre) و اویگن میت وخ (E. Mittwoch) به



تصویر ۴-
رساله‌ی گلستان
هنر، دوره‌ی صفویه



تصویر ۵-
کتاب مناقب هنروران

عنوان سیاح و کاوشگر به جمع‌آوری آثار هنری ایران و دیگر کشورهای اسلامی پرداختند. مرقع رضا عباسی^۶ در سال ۱۹۱۴ میلادی توسط این دو هنر شناس آلمانی، منتشر شد.^۷

هر چند حضور آثار نقاشی و طراحی ایرانی در موزه‌های غرب از اواخر قرن هجده میلادی قدمت دارد، با این حال مستشرقان از اوایل سده‌ی بیستم میلادی به بررسی این هنر پرداختند.^۸ مطالعات آنها بیشتر تاریخی و تنها به ظاهر آثار توجه داشته و به عمق فرهنگ و تمدنی که هنرمندان آن، این آثار را خلق کرده‌اند یا به ابعاد محتوایی کارها چندان توجهی نکردند. شاید توماس آرنولد (T.W. Arnold) جزو نخستین خاورشناسانی بود که در سال ۱۹۲۸ میلادی در کتاب «نقاشی در اسلام» به بررسی جایگاه تصویرنگاری در فرهنگ اسلامی می‌پردازد.^۹ او در کتابش با نگاهی کاملاً متعصبانه سعی وافری در بزرگ جلوه دادن ممنوعیت نقاشی در آیین اسلام دارد و این مقوله را به عنوان یک عامل نگهدارنده



تصویر ۶-
یکی از صفحات
مرقع بهرام میرزا

منابع مستند فارسی در زمینه هنر طراحی و نگارگری

ایرانی

برای شناخت ابعاد هنری و تاریخی هنر نگارگری، طراحی و خوشنویسی، منابع مکتوب و مستند فارسی بسیار حائز اهمیت‌اند. این منابع نوشتاری شامل: کتاب‌ها، رساله‌ها، مرقعات (آلبوم)، عرضه داشت (گزارش کار کتابخانه)، نوشته‌های متن خود آثار، طراحی دیواری، سفرنامه‌ها، کتاب‌های تاریخی، جغرافیایی، دیوان اشعار و... می‌باشند.

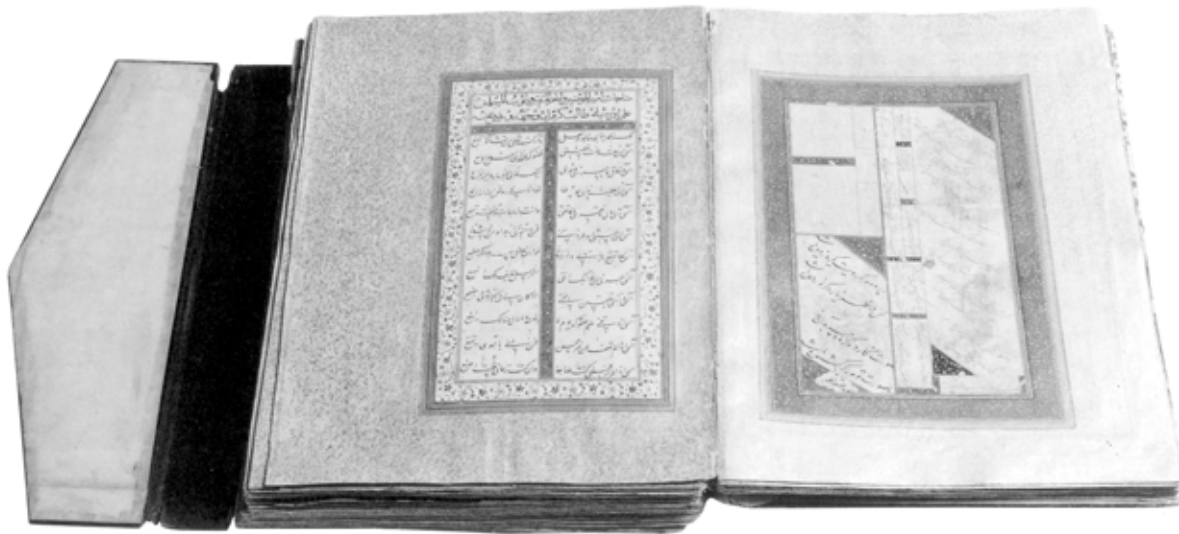
رساله‌های گلستان هنر، اثر قاضی احمد بن محمد منشی^{۱۲} در سال ۱۰۱۵ هـ؛ *قانون الصور* صادقی‌بیک افشار (۱۰۱۹-۹۴۰ هـ)؛ *مناقب هنروران*، اثر نویسنده ترک مصطفی عالی افندی (۱۰۰۸-۹۴۸ هـ)؛^{۱۳} بخش‌هایی از کتاب *عالم آرای عباسی*، اثر اسکندربیک منشی (سده‌ی یازده هـ)؛ و... از مهم‌ترین منابع مکتوب موجود در باب هنرهای کتاب‌آرایی ایران و از جمله در احوال نقاشان و خوشنویسان ایران به شمار می‌روند. (تصاویر ۴ و ۵)

مرقعات هنری نسبت به دیگر منابع نوشتاری نقش مهمی در حوزه‌ی هنرهای کتاب‌آرایی عهده‌دارند. مرقع در لغت به معنای جامه‌های پروصله، ولی در اصطلاح واژه‌گزینی هنری به مجموعه‌ای از آثار تک ورقی طراحی، نقاشی، خط، نقوش تزئینی و... گفته می‌شود که آنها را بر روی برگه‌های نسبتاً ضخیم کاغذ یا مقوا چسبانده و گاهی حاشیه‌ی اطراف آثار با جدول، شمشه‌ها یا به روش تذهیب و تشعیر مزین شده‌اند. سپس این اوراق به روش‌های مختلف صحافی و درون جلد زیبایی جای می‌گیرند.

تهیه و ساختن مرقع (آلبوم) یکی از سنت‌های مهم هنری در جهان اسلام به شمار می‌رود. بر اساس منابع موجود، سنت ساختن مرقع تا قرن هشتم هـ قابل ردیابی می‌باشد.^{۱۴} در دوره‌ی تیموری و صفویان علاقه‌ی خاصی به ساختن مرقعات ایجاد شد تهیه و ساختن مرقع در قرن دهم

در تحول و تطور نقاشی ایرانی برمی‌شمارد. نظرات افرات‌آمیز او به عنوان یکی از مشکلات نقاشی جهان اسلام، هم‌چنان در نوشته‌های نویسندگان فرنگی تا به امروز به قوت خود باقی مانده است. این نظر در ایران هم به واسطه‌ی ترجمه‌ها، متأسفانه در اذهان بسیاری از نویسندگان و دانشجویان رشته‌ی‌های هنری رسوخ کرده است.

در طول دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی مطالعه و تحقیق بر روی هنر ایران به عنوان مرکز مهم هنر اسلامی به طور جدی مورد توجه قرار گرفت. در همین زمان عده‌ای از محققان معروف از کشورهای مختلف به ایران عزیمت می‌نمایند. آرتور پوپ (م ۱۸۸۱-۱۹۶۹) (A. U. Pope) محقق امریکایی همراه همسرش فلیس اکرم (Ph. Ackerman) در این میان نقش مهمی دارند. پوپ از همان ابتدای سفر به ایران، تحقیق و تهیه‌ی عکس از آثار هنر و معماری ایران را شروع می‌کند. آرتور پوپ همراه با جمع کثیری از پژوهشگران غربی (حدود هفتاد نفر) مجموعه‌ی تحقیقات خود را در شش جلد کتاب بزرگ؛ تحت عنوان «هنر ایران از دوران قبل از تاریخ تا زمان حال»، به زبان انگلیسی توسط انتشارات دانشگاه اکسفورد در سال ۱۹۳۸ میلادی/ ۱۳۱۶ هـ شمسی به چاپ می‌رساند.^{۱۵} ارنست هرزفیلد (۱۹۴۰-۱۸۷۹) (E. Herzfeld) از دانشگاه برلین و آندرا گدار (۱۹۶۵-۱۸۸۱) (A. Godard) محقق فرانسوی هم از دیگر افرادی بودند که بر روی هنر ایران مطالعاتی داشتند. مجموعه چهارجلدی «آثار ایران» از جمله تحقیقات ارزشمند او می‌باشد. ارنست کوئتل (۱۹۴۶-۱۸۸۲) (E. Kuhnel) و ریچارد اتینگهاوزن (۱۹۷۹-۱۹۰۶) (R. Ettinghausen) نیز از دیگر محققان آلمانی بودند که بر روی هنر ایران مطالعه و آثار مکتوب زیادی تألیف کردند. بازل گری در نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی در مورد نقاشی ایرانی چندین کتاب تدوین نموده است.^{۱۶} در چند دهه‌ی اخیر هم کتاب‌های زیادی در زمینه‌ی نگارگری و طراحی ایرانی بر اساس مجموعه‌های غنی کتابخانه‌ای و موزه‌ای خارج تدوین شده است. (تصویر ۱ تا ۳)



تصویر ۷- مرقع بهرام میرزا

این مرقعات با شماره‌های H.۲۱۵۴، H.۲۱۵۳، H.۲۱۵۲، و H.۲۱۶۰ و نام‌گذاری شده‌اند (حرف لاتین H از کلمه *Hazine* خزینه = گنجینه، برگرفته شده است).

مرقع اول به «مرقع بایسنقر» معروف است. گر چه این مرقع فاقد دیباچه، تاریخ گردآوری و نام گردآورنده می باشد ولی به دلیل وجود اسم و یادداشت‌ها و آثاری از بایسنقر میرزا پسر شاهرخ تیموری، به این نام معروف شده است. از طرف دیگر بعضی از آثار تاریخ‌دار، با تاریخ حیات این شاهزاده‌ی کتاب‌دوست و بزرگترین حامی هنر کتاب‌آرایی دوره‌ی تیموری مطابقت دارد. در این مرقع با قطع ۵۰ × ۶۸ سانتی متر و ۹۸ برگ تعداد ۳۶۱ نقاشی، طراحی و طراحی نقوش تزئینی (شمسه، تذهیب و غیره) و همچنین ۱۱۴ قطعه خوشنویسی نگهداری می‌شود. قدیمی‌ترین آثار نقاشی این مرقع، بیست و دو نقاشی از صحنه‌ی معراج پیامبر اسلام (ص) است که بیشتر آنها در قطع بزرگ می‌باشد به گونه‌ای که کل صفحه (۵۰ × ۶۸ سانتی متر) را در بر گرفته، است. به نظر می‌رسد این مجموعه نقاشی بخشی از نگاره‌های یک کتاب معراج نبوده بلکه برای به تصویر کشیدن و نشان دادن صحنه‌های سفر معراج به صورت تک ورق‌ی کار شده است. این آثار منسوب به استاد احمد موسی از نقاشان دوره‌ی ایلخانی است. در این مرقع تعداد قابل ملاحظه‌ای طراحی و پیش طرح‌هایی از هنرمندان آل جلاویه منسوب به محمدبن محمود شاه الخیام، حسین شیرازی و عبدالله بخاری وجود دارد.

قدیمی‌ترین طراحی تاریخ‌دار این مرقع مربوط به سال ۸۶۰ هـ است. بسیاری از طراحی‌های تزئینی این مرقع احتمالاً برای تزئینات چادر، منسوجات، ظروف و آلات فلزی، سفال و تزئینات و نقاشی‌های دیواری بناهای آن دوره طراحی شده‌اند. تعداد قابل توجهی از آثار این مرقع در سال ۱۹۶۱ میلادی به چاپ رسیده است.^{۱۸} مرقع (H. ۲۱۵۳). دوم ابتدا با عنوان «آلبوم فاتح»، برگرفته از نام

هب در ایران، عثمانی و هند^{۱۵} بسیار مورد توجه قرار گرفت. بر طبق سنت تهیه‌ی مرقعات قدیمی‌تر برای هر برگه‌ی مرقع معمولاً یک اثر تک ورق‌ی الصاق می کردند، ولی از اوایل قرن دهم هجری، هر برگه‌ی مرقع، بیش از یک اثر تک ورق‌ی را در بر می‌گیرد. در بعضی از مرقعات، هر برگه با مجموعه‌ای از قطعات وصالی شده که بی شباهت به چهل تکه نیست، آراسته شده است.^{۱۶}

بیشتر مرقعات هنری دارای یک دیباچه هستند که در آغاز مرقع قرار دارد. دیباچه‌ها عموماً شامل معرفی مجموعه آثار صحافی شده، فهرست نام هنرمندان و شرح حال کوتاه ایشان - به ترتیب توالی زمانی - نام سفارش دهند، نام نویسنده می‌باشد. در پایان دیباچه تاریخ اتمام مرقع معمولاً به صورت ماده تاریخ به شعر سروده می‌شد.^{۱۷} مرقعات علاوه بر محافظت از آثار هنری تک ورق‌ی، در برگیرنده‌ی نمونه‌هایی از آثار هنری استادان گذشته بوده که هنرآموزان جوان از روی آثار موجود در آن، مشق نظری یا مثنی‌برداری می‌کردند. به همین جهت، مرقعات نقش مهمی در توسعه و تداوم سنت آموزش هنرهای نگارگری، طراحی و خوشنویسی دارند.

امروزه در بیشتر کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ جهان، مرقعاتی از آثار هنری ایران نگهداری می‌شود. اشاره شده که مرقع‌ها عموماً دارای دیباچه‌ای در شرح آثار و احوال هنرمندانی است که آثار آنها در آن نگهداری می‌شود. علاوه بر این مرقعات، از مهم‌ترین منابع مستند آثار طراحی، نگارگری و خوشنویسی ایران به شمار می‌روند.

بیشترین و باارزش‌ترین مجموعه مرقعات ایرانی در کتابخانه‌ی موزه‌ی توپقاپی‌سرای و کتابخانه‌ی دانشگاه استانبول نگهداری می‌شوند. از مجموع چهل و پنج مرقع موجود در این دو کتابخانه، چهار مرقع بیش از همه دارای ارزش هنری بوده و بیشترین آثار طراحی، نقاشی و خوشنویسی ایرانی مربوط به دوران‌های مختلف را در خود جای داده‌اند.



تصویر ۸- مرد جوان، نقاشی رنگ و روغن



تصویر ۹- شاهزاده عثمانی، جنتیلی بلینی



تصویر ۱۰- مثنی برداری از روی تصویر ۹، بهزاد

فاتح قسطنطنیه سلطان محمد دوم عثمانی نام گذاری شده بود. این عنوان بعدها توسط کارشناسان هنری تغییر و به نام «آلبوم یعقوب بیک» نامیده شد. این مجموعه به احتمال زیاد به همت یعقوب بیک (۸۸۴-۸۹۶ هـ) از سلسله ی ترکمانان آق قویونلو در تبریز گردآوری و به صورت یک مرقع در آمده است. این مرقع در قطع $32/8 \times 50/2$ سانتی متر، دارای ۱۹۹ برگه است که بر روی هر برگ آن چهار اثر هنری چسبانده شده است. مرقع فوق دارای ۵۴۶ طراحی و نقاشی می باشد. در این مرقع تعداد زیادی نقاشی و طراحی که از روی آثار چینی کپی برداری شده، موجود است.

مرقع (H.۲۱۵۴) سوم که یکی از معروف ترین و مهم ترین مرقعات به شمار می رود، مرقع معروف به «مرقع بهرام میرزا» و در اصل به سفارش شاه طهماسب برای بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۱ هـ) در اواسط قرن دهم هـ گردآوری شده است. این موضوع، در زیرنویس نخستین نقاشی که توسط خود شاه طهماسب نقاشی شده، آشکار است. این مرقع در قطع $34/5 \times 48/4$ سانتی متر، و ۱۴۸ برگ شامل ۱۴۴ نقاشی، طراحی، طرح های اولیه، تک برگ هایی از نقاشی نسخه های خطی، و قطعات خوشنویسی است. مرقع با دیباچه ی بسیار مهم دوست محمد، هنرمند و مورخ هنری عصر صفوی که در تاریخ ۹۵۱ هجری تحریر نموده، شروع می شود. اکثر طراحی ها و نقاشی های این مرقع مربوط به اوایل دوره ی صفویه است از جمله آثار تک ورقه نقاشی و طراحی های مولانا ولی نقاش، استاد کمال الدین بهزاد و شاه مظفر. (تصاویر ۶ و ۷)

تعدادی از طراحی ها و نقاشی های مربوط به هنرمندان سده ی هشتم و نهم هـ از دیگر آثار ارزشمند این مرقع به شمار می روند. نقاشی های تک ورقه «معراج پیامبر اسلام» اثر احمد موسی از قدیمی ترین آثار این مرقع می باشند. از دیگر آثار این مجموعه، تعدادی از نقاشی ها و طراحی های

چینی است که دوست محمد آنها را با عنوان «کار استادان ختایی» نام برده است. بعضی از نقاشی ها به صورت گل و مرغ کار شده است. دو نقاشی اروپایی نیز از دیگر آثار این مرقع است. یکی از آنها صورت مرد جوانی را نشان می دهد که با رنگ روغن بر روی کاغذ کار شده است (تصویر ۸). این اثر کار هنرمندان ونیزی است.^{۱۹} دیگری نقاشی از یک شاهزاده عثمانی در حال نوشتن است که هم اکنون در موزه ایزابلا گاردنر (Isabella Gardner) شهر بستون امریکا نگهداری می شود.^{۲۰} این نقاشی با قلم و مرکب قهوه ی همراه با آبرنگ و رنگ طلائی بر روی

تصویر ۱۲- نقاشی شاه طهماسب
برای برادرش بهرام میرزا



تصویر ۱۱- مهر شفیع عباسی همراه با
تاریخ انجام کار



کاغذ کار شده و منسوب به هنرمند ونیزی «جنتیلی بلینی» (Gentile Bellini) است که در سال ۸۸۵ هجری / ۱۴۸۰ میلادی) در دربار سلطان محمد دوم در استانبول کار کرده است. در کنار این نقاشی به خط نستعلیق: «عمل ابن مؤذن» که از استادان مشهور فرنگ است، نوشته شده است. (تصویر ۹) این اثر احتمالاً به صورت هدیه از طرف سلطان عثمانی به دربار سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ هجری) فرستاده شده است. استاد کمال الدین بهزاد حدوداً بین سال‌های ۸۹۱ تا ۹۰۶ هجری از روی آن کپی برداری کرده است. (تصویر ۱۰)

شیخی و شصت اثر به محمد سیاه قلم منتسب می‌باشند. مرقعات موجود در کتابخانه ملی برلین (معروف به مرقعات دیتس Diez)

علاوه بر چهار مرقع مورد اشاره، مجموعه طراحی‌های مرقعات معروف به دیتس در کتابخانه‌ی برلین نیز از مهم‌ترین آثار طراحی، نقاشی و خوشنویسی ایرانی هستند. در ادامه به طور مختصر به بررسی این مجموعه مرقعات پرداخته می‌شود.

مجموعه‌ی پنج مرقع (آلبوم) با شماره‌های (۷۴-۷۰ mss. Diez A. fols.) معروف به دیتس (Diez)، متعلق به شخصی به نام هانریش فریدریش فون دیتس (H. F. Von Diez)، سفیر پروسی که در مدت اقامتش بین سال‌های ۱۷۸۴ تا ۱۷۹۱ میلادی در استانبول به دست آورد. این مجموعه در سال ۱۸۱۷ میلادی به کتابخانه‌ی شاهی (بعدها معروف به کتابخانه‌ی دولتی پروس) در برلین اهدا و هم اکنون در گنجینه‌ی کتابخانه‌ی ملی برلین نگهداری می‌شوند.^{۳۳} این مجموعه برای نخستین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی پس از گذشت صد و چهل سال به نمایش گذاشته شد. این پنج مرقع دربرگیرنده‌ی تعداد قابل ملاحظه‌ای نقاشی تک‌ورقی، طراحی، قطعات خوشنویسی و طرح‌های گراوری، متعلق به یک حوزه‌ی جغرافیایی شامل: ایران، ترکیه، اروپا و چین است. این آثار از نظر تاریخی متعلق به سده‌های هفتم تا دوازدهم هـ می‌باشند.^{۳۴}

مرقع رضا عباسی

مرقع بهرام میرزا علاوه بر انتخاب نمونه آثار بسیار زیبا و دیباچه‌ی نسبتاً بلند دوست محمد به عنوان یکی از مهم‌ترین و مستندترین منبع تاریخ نقاشی و خوشنویسی ایران، به خصوص از دوران ایلخانان مغول تا اواسط دوره‌ی صفویه به شمار می‌رود.

مرقع (H. ۲۱۶۰) چهارم که به نام «آلبوم یعقوب بیگ» از سلسله‌ی ترکمانان آق‌قویونلو نامیده شده و به احتمال زیاد بخشی از مرقع (۲۱۵۳ H.) بوده است که در زمان یعقوب بیگ (۸۹۶-۸۸۴ هـ) در تبریز گردآوری و به صورت یک مرقع در آمده است. این مرقع در قطع $۳۲/۸ \times ۵۰/۲$ سانتی‌متر، شامل ۹۰ برگ و ۱۳۱ طراحی و نقاشی می‌باشد.^{۳۱} در هر دو مرقع (H. ۲۱۶۰ و H. ۲۱۵۳) اسامی بسیاری از هنرمندان بر روی آثار درج شده است. به نظر می‌رسد بیشتر این اسامی در زمان ساختن مرقع اضافه شده است. اسامی هنرمندانی که بر روی نقاشی‌ها و طراحی‌ها درج گردیده به شرح زیر می‌باشد: احمد موسی، احمد لاجین؟، خواجه شیخ محمد عودی، میردولت یار، عبدالحی، سلطان علی، احمد پادشاه، میر خلیل، مولاناولی استرآبادی، درویش محمد، شیخی، محمد سیاه قلم و...^{۳۲} بیشترین تعداد آثار در هر دو مرقع متعلق به استاد محمد سیاه قلم و استاد شیخی از هنرمندان منسوب به دوره‌ی ترکمانان است. در کل حدود شصت اثر به



تصویر ۱۴-
نقاشی روی دیوار،
نابین، دوره‌ی صفوی

تصاویر هر صفحه با دقت زیادی چیده شده‌اند. در هر ورق، یک طرف آن تصویر و در قسمت پشت آن نمونه‌هایی از خوشنویسی قرار گرفته است. دیباچه‌ی هر دو توسط مولانا محمد حسین کشمیری نوشته شده است. مرقع گلشن از جمله غنائمی است که نادر شاه افشار در سال ۱۱۵۱ هـ پس از گرفتن دهلی همراه با گنجینه‌های دیگر به ایران منتقل کرد.

عرضه داشت

یکی از اسناد تاریخی که هم اکنون در موزه‌ی کتابخانه‌ی استانبول (H. ۲۱۵۳) نگهداری می‌شود، «عرضه داشت» یا گزارش کار استادجعفر بایسنقری (تبریزی) از کتابخانه‌ی سلطنتی به بایسنقر پسر شاهرخ است. در این عرضه داشت، به کارهای مختلف هنرهای کتاب‌آرایی (خوشنویسی، تذهیب، نقاشی و جلدسازی) و دیگر آثار هنری که در کتابخانه ساخته شده، اشاره می‌شود. جعفر تبریزی در این عرضه داشت به هنر طراحی هم اشاراتی دارد و به اجرای طرح میر دولتیار جهت زین اسب خواجه میرحسین و هم‌چنین به طراحی برای تزئین خرگاه (چادر سلطنتی) شامل طراحی شمس‌ها و حاشیه‌ها که بر روی قطعه‌های چار دوخته می‌شد، اشاره می‌کند.^{۳۷} از متن عرضه‌داشت چنین استنباط می‌شود که هنر طراحی تنها برای مصور کردن یا به عنوان پیش‌طرح برای نقاشی کتاب‌ها به کار گرفته نشده است. علاوه بر کاربرد طراحی در هنرهای کتاب‌آرایی، طراحان برای تزئین اشیای دیگر از جمله خرگاه‌ها و... سود جستند.

نوشتارهای متن آثار طراحی

یکی دیگر از منابع شناسایی طراحی‌ها، نوشتارهای متن آثار طراحی می‌باشد. بعضی از آثار طراحی که فاقد نام هنرمند است، براساس نوشته‌های دیگر هنرمندانی که از روی آن اثر متنی برداری (کپی برداری) کرده‌اند، به هنرمند اصلی اثر اشاره نموده است. به طور مثال رضا عباسی در اواخر قرن دهم در متن دو طراحی خود به هنرمند اصلی طراحی - بهزاد سلطانی - اشاره دارد که او از روی اثر فوق مشق نموده است. اثر اصلی در مرقع گلشن

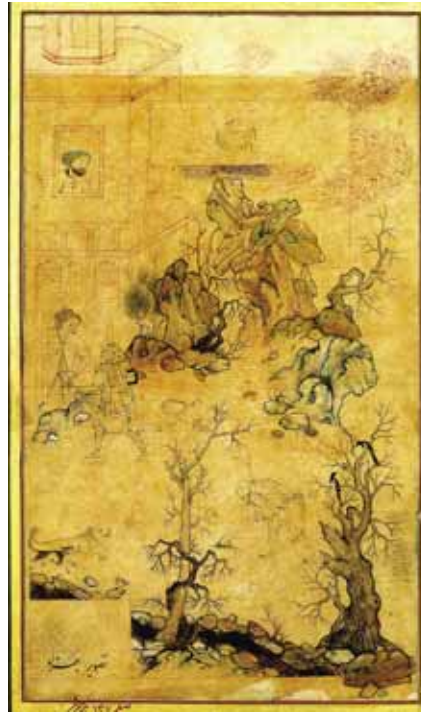
این مرقع در قطع $۱۸/۶ \times ۲۶/۴$ سانتی متر با جلد لاک‌ی مربوط به نیمه‌ی دوم دوره‌ی صفوی (اوایل قرن دوازدهم هـ) در گالری هنر فریبیر واشنگتن نگهداری می‌شوند. این مجموعه با پنجاه و پنج برگ مقوای زبر خاکستری به روش لبه دار به یکدیگر متصل شده است. تعداد شصت طراحی که بر روی کاغذهای مختلفی رسم گردیده‌اند، بر روی مقواها چسبانده شده‌اند. بیشتر طراحی‌ها با امضای رضا عباسی و شاگردانش در دوره‌ی شاه صفی اول، بین سال‌های ۱۰۰۷ تا ۱۰۵۷ هـ کار شده‌اند. از آنجایی که ظاهراً جمع آوری این طرح‌ها یک قرن پس از فوت هنرمند انجام گرفته به همین دلیل تعدادی طراحی تک ورق‌ی از شاگردان رضا عباسی به آن اضافه شده است. این مرقع در سال ۱۹۱۴ میلادی توسط دو هنر شناس آلمانی، فریدریش ساره و اویگن میت‌وخ منتشر شد.^{۳۵} در کتاب یاد شده رضا عباسی و علی رضا عباسی خوشنویس معروف آن دوره، هر دو را به عنوان یک هنرمند معرفی کرده‌اند.^{۳۶}

مرقع گلشن و مرقع گلستان

قبلاً اشاره شد که در بین پادشاهان مغول هند (گورکانیان)، جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۵ هـ) جانشین اکبر، علاقه‌ی بیشتری نسبت به نقاشی شیوه‌ی ایرانی به خصوص طراحی‌های تک ورق‌ی و تهیه مرقع داشت. چندین مرقع از دوران مغولان هند موجود است. در بین آنها دو مرقع مربوط به دوره‌ی جهانگیر گورکانی دیده می‌شود که آثار با ارزشی دارد. یکی از آنها معروف به مرقع گلشن در کاخ گلستان تهران و دیگری مرقع گلستان در موزه‌ی برلین نگهداری می‌شوند. مرقع گلشن شامل نود و دو ورق می‌باشد که براساس تاریخ روی مرقع بین سال‌های ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۹ هـ گردآوری و بیشتر طراحی‌ها در داخل یک حاشیه‌ی تذهیب شده قرار دارند. مرقع برلین نیز شامل بیست و پنج ورق بین سال‌های ۱۰۱۷ تا ۱۰۲۸ هـ گردآوری شده است. در این مرقع علاوه بر آثار هنری ایرانی و مغولی، تعدادی طراحی و نقاشی اروپایی هم دیده می‌شود. در این مرقع‌ها



تصویر ۱-۱۳- گلستان سعدی، حکایت شاعر و امیر دزدان، کمال‌الدین بهزاد، مرقع گلشن، هرات، سده نهم هجری



تصویر ۲-۱۳- رضا عباسی، کپی برداری از روی طراحی بهزاد، ۱۰۲۸ هجری

شناخت ابعاد هنری و تاریخی هنر طراحی و نگارگری بسیار حائز اهمیت هستند.

یکی از بناهایی که زیبایی و عظمت نقاشی‌های دیواری آن در طول تاریخ مورد توجه قرار گرفته، «طاق کسری یا ایوان مدائن» در دوره ساسانی است. گروهی از مورخان و نویسندگان و هم چنین شاعران به توصیف نقاشی ایوان اصلی این بنا که نمای بیرونی سپید آن احتمالاً از ساروج منقش، سنگ مرمر، صفحات مسین زر و سیم‌اندود و... پوشیده بوده، پرداخته‌اند.

خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) در سال ۵۴۰ میلادی در جنگی که بین سپاه او و رومیان در گرفت و طی آن به پیروزی و فتح انطاکیه - در نزدیکی شام رسید، دستور داد صحنه‌ی آن جنگ را در ایوان مدائن ترسیم کنند. پیش از این اشاره شد که یکی از قدیمی‌ترین اشعاری که به توصیف این نقاشی می‌پردازد، مربوط به شاعر نامی عرب، بختری (۲۸۴-۲۰۶ هـ) است. بختری در «قصیده سینه» با زبان تازی به توصیف نقش نبرد انطاکیه که در ایوان این بنا نقش شده، می‌پردازد. بختری پس از گذشت چهار قرن در وصف آن چنین می‌سراید: هرگاه نقش نبرد انطاکیه را بنگری، در حالی که بین دو سپاه رومی و پارسی ایستاده‌ای... شاهنشاه ساسانی جامه‌ای سبز بر تن دارد و بر اسبی زرد با روپوشی سرخ رنگ سوار است... در حالی که رزم سواران به آهستگی و سکوت در برابر او برپاست. در برابر دیدگان بیننده این گونه مجسم می‌شود که این رزم‌آوران به راستی زندگاند... و ایوان از شگفتی صنعت همانند غاری در دل کوهی بلند و استوار است. بختری، سپس به رنگ سپید کنگره‌های کاخ که روزگاری سپید قام بوده و در آن روزگار آجرنما شده، اشاره می‌کند. آن گاه از خود می‌پرسد که آیا کاخی به این دلکشی را آدمیان برای پربان ساخته‌اند یا پربان برای آدمیان پرداخته‌اند.^{۲۸}

خاقانی شاعر نامدار ایرانی در سده‌ی ششم هم با دیدن این نقاشی قصیده‌ی معروف «آینه عبرت» را در وصف ایوان مدائن سروده است:

فاقد اسم بهزاد می‌باشد. (تصاویر ۱۱ تا ۱۳)

طراحی‌های دیواری

تعداد قابل ملاحظه‌ای طراحی و نقاشی بر روی دیوارها مربوط به هنر قبل از اسلام و قرن‌های اولیه دوره‌ی اسلامی، کاوش شده‌اند. این طراحی‌های دیواری در حقیقت قدیمی‌ترین شواهد مستند طراحی ایرانی به شمار می‌روند. این آثار بیانگر روش و شیوه‌های طراحی مربوط به دوره‌ی خود هستند. موضوع بسیاری از طراحی‌های دیواری را پادشاهان، پهلوانان، میدان‌های رزم، سوارکاری، صحنه‌های شکار، مراسم و آیین‌ها و امثال آنها تشکیل می‌دهند. بیشتر این طراحی‌ها، بر روی دیوارهای اماکن مهم در اندازه‌های بزرگ کار شده‌اند. در فصل سوم، سیر آثار طراحی دیواری موجود و قابل دسترس هنر ایران در قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. (تصویر ۱۴)

تصویر طراحی‌های دیواری در نقاشی‌های نسخ خطی

تصاویر طراحی‌های دیواری که هنرمندان در صحنه‌های نقاشی‌های نسخ خطی نمایش داده‌اند از دیگر منابع مهم مطالعه برای شناخت هنر طراحی (دیواری) در دوره‌های مختلف به شمار می‌روند. بعضی از نسخ خطی دوره‌ی ایلخانی، دیوان خواجوی کرمانی، جنید و به خصوص خمسه نظامی مربوط به دوران شاهرخ در موزه‌ی ارمنی‌تاز و... بر روی دیوارهای سفید با نقوش اسلیمی، پرندگان، صحنه‌های گرفت و گیر، سیمرخ و اژدها، حیوانات افسانه‌ای، نقش گل‌دان‌ها و... به صورت تک رنگ دیده می‌شوند. قابل توجه است در بیشتر مجالس خمسه‌های نظامی در دوره‌های مختلف، هنرمندان صحنه‌ی تاج‌گذاری خسرو پرویز در طاق بستان که به صورت نقش برجسته کار شده است، آن را به صورت خیالی و به روش طراحی کار کرده‌اند. این آثار نشان می‌دهند هنرمندان بر اساس توصیف دیگران این صحنه را ترسیم کرده‌اند.

کتاب‌های ادبی، تاریخی، جغرافیایی و...

منابع نوشتاری فارسی در حوزه‌های ادبیات، تاریخ، سفرنامه‌ها و... برای



جلد کتاب دیوان خواجه کمال خجندی (۸۵۶/۱۴۵۲) هرات، کتابخانه‌ی توپقایی سرای.

این هست همان ایوان کز نقش رخ مردم
خاک در او بودی دیوار نگارستان

مسعودی، جغرافی‌دان معروف قرن چهارم هـ، به کتابی که چهره‌ی همه‌ی پادشاهان ساسانی در آن نقاشی شده است، اشاره می‌کند. او درباره‌ی این کتاب می‌گوید: "به سال ۳۰۳ در شهر استخر پارس به نزد یکی از بزرگ زادگان ایران کتابی بزرگ دیدم که از علوم و اخبار ملوک و بناها و تدبیرهای ایرانیان مطالب فراوان داشت که چیزی از آن را در کتب دیگر چون «خدای نامه» و «آئین نامه» و غیره ندیده بودم. تصویر بیست و هفت تن از ملوک ایران از خاندان ساسانی - بیست و پنج مرد و دو زن - در آن بود و هر یک را بروز مرگ پیر بوده یا جوان با زیور و ریش و چهره تصویر کرده بودند با قید اینکه اینان چهارصدوسی و سه سال و یک ماه و هفت روز پادشاهی کرده‌اند. چنان بوده که وقتی یکی از شاهان بمردی تصویر او را کشیده به خزینه می‌سپردند تا زندگان از وصف مردگان بی‌خبر نمانند. صورت پادشاهانی که به جنگ بودند، ایستاده و پادشاهی که به کاری می‌پرداخت نشست بود، با ذکر سرگذشت هر پادشاه و رفتار وی با خواص یاران و عوام رعیت و حادثه‌ها و اتفاقات مهم که به دوران پادشاهی وی پدید آمده بود، و تاریخ کتاب چنان بود که در نیمه‌ی جمادی‌الآخر به سال یکصد و سیزدهم از روی اسناد خزائن ملوک ایران نوشته شده و برای هشام عبدالملک از پارسی به عربی آمده بود. نخستین پادشاه اردشیر بود که در زمینه‌ی سرخ درخشان و لباسش به رنگ آسمانی و تاجش سبز و طلایی بود و نیزه‌ای به دست داشت و ایستاده بود، و آخر شان یزدگرد پسر شهریار پسر خسرو پرویز بود که در زمینه‌ی سبز مزین با لباس مزین آسمانی با تاج قرمز ایستاده و نیزه به دست درحالی که به شمشیر تکیه کرده بود، با رنگ‌های شگفت که اکنون نظیر آن یافت نمی‌شود و با طلا و نقره محلول و مس حکاکی شده بود. صفحه به رنگ فرقی بود با ساختی عجیب که از فرط نکویی و دقت ساخت ندانستم کاغذ است یا پوست."^{۲۹}

نظامی گنجوی (۵۹۸-۵۳۵هـ) در پنج گنج خود اشاره‌هایی به آثار نقاشی عهد ساسانیان دارد. در قصه‌ی خسرو و شیرین، نقاشی به نام شاپور از طرف خسرو مأموریت دارد تا تمثال خسرو را که بر کاغذ کشیده شده، به نظر شیرین برساند.^{۳۰} در هفت‌پیکر نظامی به نقاشی‌های دیواری قصر خورنق اشاره می‌شود که به صحنه‌های شکار بهرام و تصویر هفت پیکر پریان زیبا در یکی از حجره‌های قصر اختصاص دارد.^{۳۱}

در خورنق نگاشتند بزر

صورت گور زیر و شیر زبر

یا

به تیشه صورت شیرین بر آن سنگ

چنان بر زد که مانی نقش ارژنگ

در کتاب هزار و یک شب نقل است «چون حاتم طایی بمرد، او را در سر کوهی به خاک سپردند و در کنار گور او از سنگ حوضی ساختند و تصویر دخترانی پریشان مو و گشاده گیسو در سنگش نقش کردند. در پای آن کوه نه‌بری بود روان، که هر گاه کاروانیان در سر آن نهر فرود می‌آمدند [از غروب] تا هنگام بامداد آواز و ناله و شیون می‌شنیدند و وقتی صبح می‌شد سر و صدا و ناله و شیون قطع می‌گردید و جز صورت دختران که بر سنگ‌ها نقش کرده بودند، چیزی نبود.»^{۳۲}

ابن الجوزی نقل می‌کند که در قرن چهارم وقتی در بغداد چهارده گونی از کتاب‌های پیروان مانی را در آتش سوزاندند، در میان خاکستر آن قطعه‌هایی از طلا و نقره (به خاطر استفاده از این فلزات در تزئین کتاب‌ها) پیدا شد.^{۳۳}

در تاریخ بیهقی، مربوط به زمان سلطان مسعود غزنوی (۴۳۳-۴۲۱هـ) اشاره می‌شود که وقتی سلطان مسعود در ایام جوانی حاکم هرات بود یکی از اتاق‌هایش با صحنه‌های نقاشی تزئین شده بود. اخیراً طی کاوش‌های قصر سلطان مسعود در منطقه‌ی لشکر بازار به آثار طراحی‌های دیواری زیبایی دست پیدا کرده‌اند.

ابن عربشاه در کتاب «عجایب المقذور فی اخبار تیمور»^{۳۸} در خصوص تزئین، نقش‌اندازی و نقاشی دیوار اندرونی قصرهای تیمور در سمرقند اشاره می‌کند که امروز اثری از آنها برجای نمانده است. شرف‌الدین علی یزدی در کتاب «طفرنامه» در قسمت - گفتار در تعمیر قصر باغ شمال - امیر تیمور در خصوص تزئین و نقش‌اندازی اندرونی قصر چنین آورده است: «سطوح دیوارش را با لاجورد و زر چنان طرفه و درخور منقوش ساختند که طراوتش گرد تعبیر و تشویر بر ارزنگ مانی و نگارخانه چین نشاند.»^{۳۹}

سرانجام

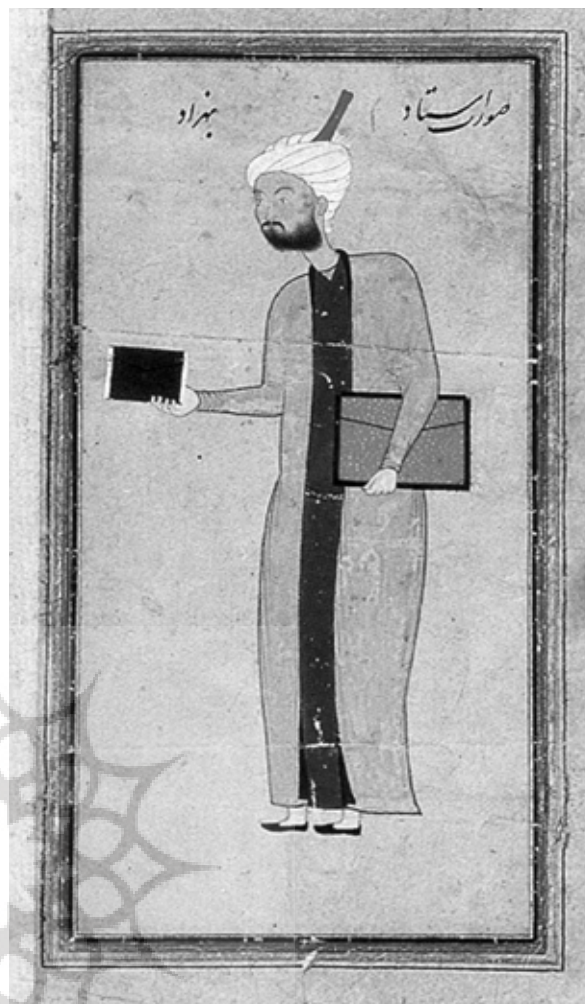
گرچه این مقاله به معرفی انواع منابع مکتوب و مستندی که هر کدام به گونه‌ای به تاریخ و معرفی آثار هنر نگارگری و طراحی اشاره داشت ولی بسیاری از منابع مستند آثار طراحی موزه‌های ایران از جمله موزه کاخ گلستان، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، موزه رضا عباسی، موزه هنرهای تزئینی سابق (که امروزه آثار این موزه به چند موزه دیگر منتقل شده)، و ... هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند. به یقین در دسترس بودن این منابع می‌تواند نتایج مهمی برای شناخت هنر ایرانی دربرداشته باشد بگیرد.

پانویست‌ها:

۱. در حال حاضر اغلب به جای «نقاشی ایرانی» واژه «نگارگری» به کار می‌رود. استفاده از این واژه بر اساس شواهد ادبی، دارای سابقه‌ای طولانی است. به طور مثال: عنصری شاعر معروف دوره‌ی غزنوی (فوت ۴۳۱ هـ قمری) در دیوانش در خصوص زیبایی اندام اسب چنین سروده است.
چهار بایی کش بیکر از هنر هموار
نگارگر نگاردر چو او به خامه نگار
۲. منطقه‌ای که سابقاً شمال آلمان و لهستان امروز را شامل می‌گردید.
۳. ژولیس ریچارد با نام مستعار "میرزا رضا" در سال ۱۸۵۱ م به عنوان معلم زبان فرانسه و انگلیسی در دارالفنون به تدریس مشغول شد. او در سال‌های ۶۱ - ۱۸۶۰ م به عنوان مترجم، مشیرالدوله صدراعظم وقت را در مأموریتش به اروپا همراهی می‌کند. وی همچنین در سال ۱۸۷۰ به عنوان مترجم همراه ناصرالدین شاه به اروپا سفر می‌کند.
۴. قابل ذکر است بین سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۸۱ میلادی، نود و یک نمایشگاه از آثار هنری ایران، در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا به نمایش در آمده است. نمایش آثار هنری ایران در اروپا و آمریکا، توجه نقاشان اوایل قرن بیستم میلادی را به خود جلب نموده و آنان به مطالعه و جستجوی ارزش‌های ناب، در آثار هنری ایران می‌پردازند. ویژگی‌هایی چون تجرید، سادگی، مقوله‌ی زیباشناسی، دخل و تصرف در طبیعت اشکال (دفرماسیون)، نمادگرایی و... از مهم‌ترین شاخصه‌های این آثار بود. هنرمندانی همچون ماتیس و حتی پیکاسو (البته کمتر از ماتیس) از این آثار الهام گرفتند. هنرمندان امپرسیونیست مثل سزان، وازارلی، کاندینسکی، میخائیل لاریونو، گوستاو کلیمت و... خیلی زود دریافته‌اند که آثار ایرانی به نمایش در آمده، برخوردار از یک نظم هندسه‌ای ناب (Pure) در ترکیب، تجرید و ساده‌سازی در اشکال (فرم‌ها) و سطوح غنی و سحرآمیز در رنگ‌ها هستند. بیشتر آنها در آثار خود از این شاخصه‌ها به خوبی سود جستند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

Oleg Grabar, *Mostly Miniatures, An introduction to Persian Painting*, Princeton and Oxford: Princeton University press, 2000, P. 9.

F. R. Martin, *Miniatures Painting and Painters of* .5



صورت بهزاد

راوندی در کتاب «زاحه الصدور وآیه السرور در تاریخ آل سلجوق»^{۳۴} در سده‌ی ششم هـ از مصورسازی مجموعه‌ی اشعاری در زمان طغرل بن ارسلان توسط جمال نقاش اصفهانی یاد می‌کند.

نجم‌الدین رازی در سده‌ی هشتم هـ در کتاب «مرموزات اسدی»، از نقش بیژن برایوان‌ها سخن می‌گوید:^{۳۵}

بر ایوان‌ها نقش بیژن هنوز
به زندان افراسیاب اندر است

رشیدالدین فضل‌الله در بخشی از *وقعیات* خود، به حقوق نقاشان، خطاطان و مصورسازان کتاب‌هایش اشاره دارد: این کتاب ده مجلد می‌باشد... و زیادت از شصت هزار دینار رایج در اجرت نسخ و تحریر و نقش و تصویر و جلد و صحافی آن به کار رفته است.^{۳۶}

یکی از سیاحان ایتالیایی که از سالن بزرگ قصر اوزون حسن (۸۸۳-۸۵۶ هـ) در تبریز دیدن کرده بود به نقاشی‌های دیواری این قصر اشاره دارد. موضوع این نقاشی‌های دیواری شامل، صحنه‌های جنگ، حضور سفیران عثمانی همراه با هدایا، صحنه‌های شکار انواع حیوانات مثل فیل و کرگدن بوده که با رنگ‌های طلا، نقره و آبی نقش شده‌اند.^{۳۷}

Persia, India and Turkey, from the 8th to the 18th Century, 2 Vols, London, 1912

6. F. Sarre, and E. Mittwoch. *Zeichnungen Von Riza Abbasi*, Munchen: F. Bruckmann A. - G., 1914.

۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: محمد خزایی، "سوداگری‌های فرنگی‌ها از هنر ایران" در *ماهنامه هنرهای تجسمی*، دوره جدید، شماره ۱۹، دی و بهمن ۱۳۸۱، صص ۱۲ تا ۱۶.

۸. مهم‌ترین علت بی‌توجهی آنها ظاهراً به خاطر عدم رعایت پرسپکتیو در آثار بوده و به همین دلیل آنها را آثاری هنری به حساب نمی‌آوردند.

۹. T. W. Arnold, *Painting in Islam*, Oxford: The Clarendon Press, ۱۹۲۸

10. A. U. Pope, *A Survey of Persian Art*, London: Oxford University Press, 1938.

11. Basil Gray, *Persian Painting*, Geneva: Art Albert Skira, 1961.

۱۲. قاضی میراحمد منشی قمی. *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه‌ی منوچهری، چاپ سوم، ۱۳۶۶.

۱۳. مصطفی عالی افندی. *مناقب هنروران*، ترجمه‌ی توفیق سبحانی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.

14. Filiz çagman, "On the Contents of the Four Istanbul Albums H. 2152, 2153, 2154 and 2160" in *Islamic Art: An Annual Dedicated to the Art and Culture of the Muslim World*, Vol. I, New York: The Islamic Art Foundation, 1981, p. 31.

۱۵. در بین پادشاهان مغول هند (گورکانیان)، جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۵ هـ) علاقه‌ی بیشتری به نقاشی به شیوه‌ی ایرانی به خصوص طراحی‌های تک ورقه‌ی و تهیه مرقع داشت. دو مرقع معروف به جهانگیر یکی معروف به مرقع گلشن در کاخ گلستان تهران و دیگری در موزه‌ی برلین نگهداری می‌شوند. مرقع گلشن شامل نود و دو برگه می‌باشد. براساس تاریخ روی مرقع بین سال‌های ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۹ هـ گردآوری و بیشتر طراحی‌ها در داخل یک حاشیه‌ی تذهیب شده قرار دارند.

۱۶. دیوید جی. راکسبرو، "دبیاچه‌های مرقعات: نخستین تاریخ نامه‌های هنر ایران"، ترجمه‌ی عباس آقاجانی، فصل نامه *گلستان هنر*، سال سوم شماره ۱ (شماره پیاپی ۷)، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۰۷-۱۰۹.

۱۷. به‌طور مثال ماده تاریخ مرقع معروف بهرام میرزا (۹۵۱ هجری) توسط دوست محمد این‌گونه سروده شده است:

چو تاریخ اتمام پرسید گفتم "ابوالفتح بهرام عادل نهادی"

18. F. E. Karatay, *Farsca Yazmalar Katalogu*, Istanbul 1961.

19. David J. Roxburgh, *The Persian Album, 1400/1600*, New Haven & London: Yale University Press, 2005, p. 301.

20. David J. Roxburgh, *The Persian Album*, p. 302, Fig. 167.

21. Filiz çagman, "On the Contents of the Four Istanbul Albums" in *Islamic Art: An Annual Dedicated*

to the Art and Culture of the Muslim World, Vol. I, New York: The Islamic Art Foundation, 1981, p. 32.

22. Zeren Tanindi, "Some Problems of Two Istanbul Albums, H. 2153 and 2160" in *Islamic Art: An Annual Dedicated to the Art and Culture of the Muslim World*, Vol. I, New York: The Islamic Art Foundation, 1981, p. 38.

۲۳. هانا اردمان، گنجینه‌های هنرایران در موزه‌ی‌های آلمان، ویسبادن: شرکت نشر فرانکس شتینر، ۱۹۶۷، ص ۳۴.

24. David J Roxburgh, "Heinrich Friedrich von Diez and His Eponymous Albums: Mss. Diez A. fols. 70-74," in *Muqarnas*, vol. XII, Leiden: E. J. Brill, 1995, p. 112.

25. F. Sarre, and E. Mittwoch. *Zeichnungen Von Riza Abbasi*, Munchen: F. Bruckmann A. - G., 1914.

۲۶. برای اطلاع بیشتر در مورد مجموعه فوق نگاه کنید به: محمد خزایی، علل رکود نگارگری اسلامی-ایرانی بعد از رضا عباسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰، صص ۹۸-۶۲.

27. W. M. Thackston, *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Leiden: Brill, 2001, pp. 434-6.

۲۸. سید میر محمود انوار. ایوان مدائن از دیدگاه دو شاعر نامی تازی و پارسی بختری و خاقانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰.

۲۹. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی. *التنبیه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، صص ۹۹-۱۰۰.

۳۰. عبدالحسین زرین کوب. *بیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۲، صص ۸۲-۸۱.

۳۱. عبدالحسین زرین کوب. *بیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد*، صص ۱۳۸-۹.

۳۲. اسماعیل شاهرودی، هزار و یک شب، تهران: نشر پیام، ۱۳۷۴، ص ۶۲.

33. Khazaie, Mohammad. *Early Islamic Persian Art, Origin, Form and Meaning*, London, Book Extra Pub., 1999, p. 113, See also: J. Pedersen, *The Arabic Book*, Princeton: Princeton University Press, 1984, p. 94.

۳۴. محمد بن علی بن سلیمان راوندی، *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۶۳.

۳۵. نجم الدین رازی (دایه). *مرموزات اسدی در مزمورات داوودی*، به اهتمام محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۳.

۳۶. نجیب مایل هروی. *تاریخ نسخه برداری*، تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

37. C. Groy, *A Narrative of Italian Travels in Persia* London, 1013, 175

۳۸. ابن عربشاه عجایب المقذور فی اخبار تیمور، ترجمه‌ی نجاتی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۹۷.

۳۹. شرف الدین علی یزدی. *ظفرنامه*، به تصحیح محمد الهداد، جلد اول، کلکته، ۱۸۸۷ میلادی، ص ۸۰۲.